

جمال شورهجه (فیلمساز)

یدالله صمدی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلساز)

بروزشخ طادی (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی کیا (فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)

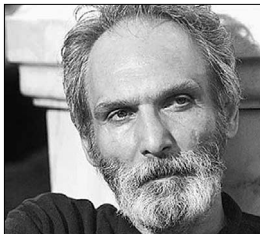
بیانات اخیر اسام خامنه‌ای در دیدار مدیران سازمان صداوسیما با ایشان و تأکید معظم له درباره مسئولیت رسانه ملی در مقابله بسا «جنگ نرم» مبدأ تازه‌ای برای فعالیت‌های این سازمان است. امروز، صداوسیما در صف اول مبارزه با هجوم فرهنگی و رسانه‌ای دشمنان کشورمان قرار دارد. به همین مناسبت نظر تعدادی از هنرمندان و کارشناسان رسانه درباره جنگ نرم و فرمایشات رهبر انقلاب در جمع مدیران رسانه ملی پرسیدیم.

تصوربروز

جهانگیر الماسی:

اتحاد ملی با تکیه بر ارزش‌های هویتی

جهانگیر الماسی ، بازیگر در گفت و گو با کیهان گفت:آنچه مشخص است اینکه جنگ نرم



برخلاف جنگ نظامی، هیچ تلفاتی ندارد، اما مردم کشورهای مختلف از طریق حذف فرهنگ و اعتقادات خود، تحت سلطه کشورهای قدرتمند قرار می‌گیرند. تا جایی که مردمی که در جنگ نرم محبوت شده‌اند، همه چیز خود را تقدیم دشمنان خودشان می‌کنند. به بیان دیگر، جنگ نرم، مرحله اول روش است. تاوانست.

وی افزود:یکی از اهداف اصلی دشمن در جنگ نرم، بازاریابی و فروش محصولات است و این را

از طریق رسانه‌های جمعی، همچون شبکه‌های تلویزیونی و ماهورای، فیلم، موسیقی، کلاس‌های تربیت ذهن و عرفان، جواز بین‌المللی و ... بی‌گیری می‌کنند. یکی از مصادیق جنگ نرم این بوده که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دنیای سرمایه داری تلاش کرد تا ما را مصرف زده و علاقه مند به مصرف کالاهای خارجی بار بیاورد.

بازیگر سریال «در چشم باد» تصریح کرد: انگلیسی‌ها روایتی دارند که می‌گویند تا وقتی قران در سرزمین ایران وجود دارد و مردم به دفاع مقدس از جلا بخشید، روح الله سهرابی که پیش از این فیلم «محدوده مبارز» را ساخته بود، از زویه دید متفاوتی به ماجرای مردان جنگ و آدم‌های درگیر با این موضوع پرداخته است. تمام روایت فیلم در زمان حال می‌گذرد. داستان این فیلم درباره مردی با نام «حسن» یا بازی کلمبیز (دیرباز) است که پس از ۲۵ سال باید خیر مهرم و تکان دهنده‌ای را به یک مادر چشم‌انتظار بدهد. همین مسئله اتفاقات ناخواسته دیگری را برای او رقم می‌زند. او باید خیر یافته شدن جسد یک شهید را به مادری که سال‌ها منتظر فرزندش بوده بدهد. اما عده‌ای مخالف این کار هستند. مخالفتی که به درگیری میان آدم‌های دوران فیلم منجر می‌شود.

فرهنگ دفاع مقدس، گنجینه‌ای تمام نشدنی برای کشف ایده‌ها، موضوعات و قصه‌های بدیع و شگفت‌انگیز است. هیچ نقطه‌ای از تاریخ پهنوار و فرهنگ غنی ما، این چنین سرمایه‌ای را در اختیار اهالی هنر قرار نداده است. با این حال، متأسفانه هنرمندان و سینماگران ما کمتر سراغ این گنج می‌روند و این درحالی است که امروز همه از فقر محتوا و ضعف داستان در سینمای ایران می‌گویند. کاوش در دفاع مقدس می‌تواند بخشی از این خلا را جبران کند. ویژگی خاص فرهنگ دفاع مقدس، ظرفیت بالای این فرهنگ در پذیرش قالب‌های مختلف است. «خاکستر و برف» یک فیلم ملودرام با روایتی معماگونه است. مخاطب

قهرمانان و جوانمردان برای مبارزه با این خیانت‌ها بیشتر بداندند، روند هویت یابی و وحدت ملی در کشور ما تشدید می‌شود.

الماسی ، بومی‌سازی محتوای برنامه‌های صداوسیما و ارتقای کیفیت برنامه‌ها را دو شاخص مهمی دانست که مسئولان صداوسیما باید به‌طور هم‌زمان و همگام به آن توجه کنند. وی در این باره تأکید کرد: لازم است که با بهره جستن از آموزه‌های روانشناسی اجتماعی و با شناخت بیشتر نسبت به هویت اعتقادی و ملی سرزمینمان، برنامه‌های صداوسیما از نو تعریف و تنظیم شوند.

نجم الدین شریعتی: مدبران فرهنگی هم دغدغه رهبری را به خودشان سرایت دهند

نجم الدین شریعتی مجری برنامه «سمت خدا» هم در گفت‌و گو با کیهان، درباره دیدار اخیر رهبر انقلاب با مدیران صداوسیما گفت: دیدار رهبری با مدیران صداوسیما همیشه نقطه عطفی بر روند تحولات و برنامه‌سازی در این سازمان بوده است.نوع نگاهی که ایشان به مدیران القا می‌کنند چشم انداز و افقی است که در گروگرام برنامه‌سازی‌ها و مأموریت‌های خود، متوجه آنها نمی‌شویم. حضرت آقا همیشه با نکته سنجی و ریزبینی موانع بر سر برنامه‌سازی و مأموریت اصلی سازمان را بیان می‌کنند. امیدوارم این دیدار اخیر با مدیران هم نقطه عطفی در تحولات پیش روی رسانه ملی باشد. به ویژه با ذکر خیری که



رهبر انقلاب از آقای سرفراز کرد، می‌تواند نقطه قوتی برای این باشد که سازمان صداوسیما در دوران جدید خود، با قدرت و شتاب بیشتری در جهت مأموریت‌هایی که بر آنها تأکید شد عمل کند.

از ابتدا وارد فضایی پر از تنش و کشمکش می‌شود. معما بر محور شخصیت‌های فیلم ساخته می‌شود. بیشتر بار ماجرا نیز بر دوش شخصیت احسان است. او از یک طرف دوست شهید بوده و از طرفی باید خیر شهادت را به مادر منتظر برساند و از طرفی نیز با معاند برخاش دوستان و همسایگان سابق خود مواجه می‌شود. فیلم، در این روایت چند بعدی، علاوه بر مسئله شهادت و مادران شهید و رنج‌ها و مشقت‌های بازماندگان دوران دفاع مقدس، به‌طور غیرمستقیم، به مسائلی چون انتظار و عاشورا نیز می‌پردازد. چنان که در فیلم می‌بینیم، گروهی از مردم قصد عزیمت به کربلا را دارند. آنها معتقدند اگر مادر منتظر، از شهادت فرزندش آگاهی یابد، سفر آنها لغو خواهد شد، چون باید به مراسم تشییع و دفن استخوان‌های باقی مانده از شهید مشغول بشوند. اما غافل از اینکه یکی از سربازان کربلای جبهه‌های

پخش یک برنامه تلویزیونی برای نقد و آسیب شناسی سینمای ایران، یکی از نیازهایی بود که به برنامه «هفت» منجر شد. برنامه‌ای که ابتدا قرار بود «دود سینمایی» باشد، و این نوید را به علاقه‌مندان سینما می‌داد که شاهد برنامه‌ای آسیب شناختی و موثر باشند، اما ... وجود افت و خیز و نقاط ضعف، در کنار نقاط قوت برای برنامه‌های تلویزیونی امری طبیعی و عادی است، اما اتفاقاتی که طی هر سه فصل این برنامه با سه مجری متفاوت رخ داد، فراتر از مشکلات غیر قابل انتظار و ناگهانی بود. این مشکلات، به‌طور سلسله وار و پی در پی رخ داده و به ساختار، رویکردها و نحوه اجرای این برنامه مربوط می‌شود.

سری اول «هفت» با اجرای فریدون جیرانی، گاهی روندی معکوس بسا هدف برنامه می‌یافت، یعنی در برخی از قسمت‌ها و میرگردها، این فیلمسازان بودند که مردم را هدف توهین و تحقیر قرار می‌دادند. به عنوان مثال، در یکی از قسمت‌های این برنامه کارگردان یک فیلم «بسیار بد» و دارای افکار نخب نما و عقب مانده، با اعتقاد به نفسی مثال زدنی، ایرانی‌ها را یک مشت عقده‌ای معرفی کرد!

سری دوم «هفت» با اجرای محمود گبرلو نیز به رغم تلاش برای رفع برخی از نقاط ضعف و اضافه کردن نقاط قوت، اما باز هم برنامه‌ای محافظه‌کار و فاقد شجاعت لازم بود. در این دوره، برنامه هفت سعی داشت تا همه را راضی کند، با همه مهربان و مودب باشد و طوری جلو



نظر هنرمندان درباره دیدار رهبر انقلاب با مدیران سازمان صداوسیما

رسانه ملی صف اول دفاع در جنگ نرم

دارند با تشکیل اتاق‌های فکر و بهره گیری از نخبگان بتوانند نگرانی رهبری در زمینه فرهنگ را برطرف کنند.

مجری برنامه «سمت خدا» ادامه داد: بنده همیشه خوش بین بوده ام. چون نظرات رهبری نشانگر دقت نظر ایشان در حوزه‌های مختلف مخصوصاً عرصه فرهنگ است.ضمن اینکه امروز بر همگان مسلم است، عرصه فرهنگ، دغدغه اصلی ایشان است. همین فرمایشات، نصب العین ما حداقل در برنامه خودمان یعنی برنامه «سمت خدا» قرار دارد تا به اندازه خودمان در جهت‌دفع و رفع نگرانی‌ها گام بر داریم.

وی در پایان گفت: رهبری با دقت نظر بی‌نهایتی افق‌هایی را

نشان می‌دهند که ما به سادگی نمی‌توانیم به آن افق‌ها ببیندشیم. همه برنامه سازان و اهالی رسانه ملی باید دقت کنند و این دغدغه‌ها را به خودشان سرایت دهند. اگر ما هم این دغدغه‌ها را داشته باشیم، فکر می‌کنم که افق بسیار روشنی در عرصه فرهنگی و رسانه‌ای در پیش خواهیم داشت.

اسلاملو: به دانشگاه جنگ نرم نیاز داریم

محمد رضا اسلاملو مستندساز هم گفت:امروز در زمانه‌ای به سر می‌برسم که واقعیات با شفافیت عجیبی در حال رخ نمایی هستند و مسائل پشت پرده، روز به روز عیان تر می‌شوند. این وضعیت در تمام طول تاریخ بی‌سابقه است و ما در شرایطی آخرالزمانی به سر می‌بریم. ازجمله، ترفندهایی که در این دوره برای مخدوش‌سازی دین رحمت و کامل الهی صورت می‌گیرد، هیچ وقت با این شدت جریان نداشته است. همه آنچه جنگ نرم شناخته می‌شود، در همین راستاست. ایران‌هراسی و تقلب با ایران نیز در همین مقوله می‌گنجد.

وی ادامه داد: سال‌ها قبل، دروغ و شایعه، ابزارهای اصلی جنگ نرم بود، اما امروز، محور اصلی جنگ نرم، تصویرسازی است. تصویرسازی، منجر به ذهنیت‌سازی می‌شود، و مخاطب را تسلیم می‌کند. زیرا هیچ سندی بالاتر از تصویر وجود ندارد. امروز شرایط به گونه‌ای است که تصویر ضبط شده با یک تلفن همراه می‌تواند منجر به شکست یک ملت شود، مثل تصویری که این روزها از هجوم یک فلسطینی به یک سرباز اسرائیلی منتشر شده است. و اینکه چیز دیگری است، اما این تصویر می‌خواهد اسرائیلی‌ها را افرادی مظلوم معرفی کند که با یک ترویرم وحشی مواجه هستند. این اتفاق، مصداق قرار یک جنگ نرم زیر کانه علیه یک ملت است.

اسلاملو درباره بیانات اخیر رهبر انقلاب در جمع مدیران صداوسیما تصریح کرد:بیان آنچه رهبری در این نشست مطرح کردند، در اصل وظیفه رسانه‌ها بود. اما متأسفانه اهالی فرهنگ و رسانه ما در این زمینه همواره عقب هستند. مستمعین این بیانات به جای اینکه پس از



شنیدن سخنان معظم له بگویند چه خوب! و بعد هم بروند پشت میزهایشان بنشینند و به همان کارهای قبلی خود ادامه دهند باید فکر اساسی تری برای ادامه فعالیت سوال را پرسید که آیا نیروهایی که از آنها در صداوسیما استفاده می‌کند، مرد ایستادی در میدان جنگ نرم هستند؟

این مستندساز تصریح کرد: جنگ نرم، یک موضوع علمی است، به همین دلیل هم پیشنهاد من به مسئولین این است که یک دانشکده تحت همین عنوان راه اندازی شود تا افرادی را به عنوان متخصص جنگ نرم تربیت کنند. البته چنین دانشکده‌ای باید از ۲۰ سال قبل که

رهبر معظم انقلاب مسئله تهاجم فرهنگی را مطرح کردند راه اندازی می‌شد.همان طور که مادر کشورمان دانشکده‌های تربیت افش جنگ سخت داریم، باید دانشکده‌هایی هم برای تربیت افسران جنگ نرم داشته باشیم. همچنین بخشی از بودجه وزارت دفاع و نیروهای مسلح باید به این عرصه، یعنی تربیت افسران جنگ نرم اختصاص یابد.

سپاه ۱۱ اسپتامبر «افزودن»ما امروز دانشگاه‌ها و دانشکده‌های هنری داریم که کارشان تربیت نیروهای متخصص در مسائل فنی رسانه است. این دانشگاه‌ها به دانشجویان خشک‌شویه‌های فیلمانه نوسی، تدوین، صابرداری و ... را آموزش می‌دهند. اما خلاصی ما در این زمینه «فکر» است. یعنی ما به افرادی نیاز داریم که بگویند امروز به چه طرحی برای تبدیل شدن به فیلم ساز نیاز داریم؟ و این طرح را برای تبدیل شدن به فیلم ساز نیاز داریم که بگویند امروز به چه روشی برای تبدیل شدن به فیلم ساز نیاز داریم؟

وی در پایان گفت:استراتژی اصلی ما در جنگ نرم، دفاع از حقانیت سرکوب شده هزار و ۴۰۰ ساله شیعه است. این حقانیت، باید

به شکلی زیبا، مخاطب پسند و پرقدرت و در کمال وضوح و شفافیت در رسانه‌ها تجلی یابد. همچنین در این زمینه باید از حق دفاع کرد و نه از شخص.دوره، ما دوره‌ای است که باطل با تمام قدرت خود به میدان آمده است، بنابر این ما هم نباید در عرصه حق، بترسیم یا تعارف داشته باشیم. کسی که در مسیر حق فعالیت می‌کند، حتما با یاری خدا همراه می‌شود.

هوشنگ توکلی: انتقال و بی‌هویتی کمک به جنگ نرم است

هوشنگ توکلی بازیگر و کارگردان هم گفت:بته نظر من اظهار لطف رهبر معظم انقلاب به آقای سرفراز، یک نوع تشویق به این است که صداوسیما از این وضعیت خارج شود. رسانه ملی دوران سختی را پشت سر می‌گذارد، به خصوص اینکه برنامه سازان و تولید کنند‌ها در یک باتلاقی به سر می‌برند. بی‌پولی و کمبود بودجه نمی‌تواند



بهاغه خوبی برای توجیه اهالی تولید باشد.کارگردان مجموعه «شهید مدرس» تصریح کرد: بیانات اخیر رهبری مویذ آن است که صداوسیما به تنوع، تحرک، نگاه روز و حضور پررنگتر در مسائل نیاز دارد. توکلی بیان کرد: در مقطع زمانی کنونی، جنگ نرم یعنی نگرانی و ناامیدی در عرصه روابط اجتماعی، متأسفانه، بی‌نیامگی، خشکی بودن و بی‌هویتی در شبکه‌های صداوسیما هم به این وضعیت دامن می‌زند.

بازیگر سریال «برزخ تنیخ» تأکید کرد: به نظر من تذکر رهبری درباره جنگ نرم، نشان‌دهنده این است که اگر کار نکنیم، اگر تحرک نداشته باشیم، اگر از این وضعیت بیرون نیاییم، به جنگ نرم کمک کرده ایم. حالت انفعالی صداوسیما به صلاح نظام جمهوری اسلامی نیست.

جذابیت اصلی فیلم «خاکستر و برف» علاوه بر ایجاد روابط پر کشمکش میان آدم‌های درون فیلم، فضاسازی خاص این اثر است. تمام فیلم در فضایی مالدو و توأم با بارش کم و زیاد برف اتفاق می‌افتد. فضایی که به مفهوم تکان‌دهنده فیلم هم کمک می‌کند. این فضا، حاکی از تقلیل تیرگی و سیدی دارد. پس زمینه فیلم، تیره و تار و یأس است اما سفیدی برف، یادآور نیکي و امید است.

سکانس اختتامیه فیلم، یکی از صحنه‌های ماندگار سینمای سال‌های آخر سینمای ایران است. جایی که مادر شهید، پس از گذشت ۹۰ دقیقه از فیلم، رخ می‌نماید و حاکی از نوعی خودآگاهی درباره سرنوشت روشن و افتخارآمیز فرزند خودش است. به این ترتیب، تماشایگر فیلم، با حالی دگرگون و پالایش یافته سینما را ترک می‌کند. مسئولیت اصلی سینمای متعهد همین است.

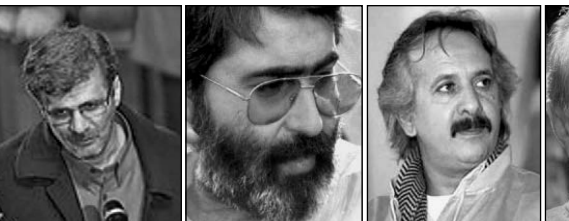
اینکه درعین جذابیت و سرگرم کردن مخاطب، هم زمینه را برای تفکر و اندیشه تازه و خلاقانه نزد مخاطب فراهم کند و هم به پاکسازی باطن تماشاگر منجر شود. در غیراین صورت، سینما تنها بازپچای برای تلف کردن وقت مردم تبدیل می‌شود.

با این حال، جای تأسف دارد که چنین فیلمی چرا به‌طور محدود و در گروه «هنر و تجربه» که برای مخاطب خاص سینما تعبیه شده، به نمایش درآمده است. این هم از دردهای فرهنگی امروز ماست. چرا آثاری که به سهولت ساخته می‌شوند و فاقد محتوای ارزشمندی هستند، بلافاصله پس از تولید و به‌طور گسترده در سینماها اکران می‌شوند اما فیلم‌های دفاع مقدسی که با دشواری ساخته می‌شوند، باید مدت‌ها در نوبت اکران بمانند و پس از آن نیز به شکل مهجور و مظلوم به نمایش در می‌آیند؟

گاهی بدون هیچ مناسبتی، می‌دود وسط حرف دیگران و مدتی طولانی به سخنوری می‌پردازد. آنچه اشکار است اینکه مجری، تلاش دارد که تا جای ممکن خودش را نشان دهد. گفت وگوهای طولانی و خشک و ملال آور برنامه نیز مزید بر علت شده است. کوتاه شدن مصاحبه‌ها می‌تواند به ضرابهنگ برنامه کمک کند.

برنامه هفت فاقد بار محتوایی و تخصصی لازم است. مخاطب این برنامه با تماشای آن به نکته‌ای یافته تازه و مهمی دست نمی‌یابد. مباحث انجام شده در این برنامه بسیار سطحی و غیرعلمی هستند. همین که مجری برنامه «هفت» فیلم «شیار ۱۴۳» را در زائر وحشت قرار می‌دهد، نشان‌دهنده عمق قاجعه است.

برنامه هفت حتی با سینمایی روز جهان نیز فاصله دارد. چرا که سینمای امروز جهان از مسائل صرفاً تکنیکی و فرمی عبور کرده و آراستگی کاملاً ایدئولوژیک به خوش‌گرفته است. محتوایی که به تکنیک و بی‌اهمیت شدن مباحث ایدئولوژیک و محتوایی، یک رویکرد کهنه و ابتز است. همان طور که نمی‌توان یک فیلم را بدون توجه به ساختار و فرسم آن ارزیابی کرد، نمی‌توان محتوا و گرایش ایدئولوژیک آن را نیز نادیده گرفت. به سه حال یک فیلم، مانند هر اثر هنری دیگری دارای محتواست و ارزیابی آن را هدف انتقال یا تخریب نوعی جهان بینی یا تفکر قرار می‌دهد. یکی از وظایف یک منتقد فیلم این است که با شکافتن و تحلیل ساختار اثر سینمایی در نهایت به انکشاف محتوا و ایدئولوژی یک فیلم نیز بپردازد، اما شیوه نقد فیلم در برنامه هفت ناقص است. چون به آرازیابی تکنیکی فیلم‌ها محدود می‌شود و نگاهی بی تفاوت به محتوای آن دارد. به سه حال به نظر می‌رسد این برنامه تا زمانی که چرایی خود را تعیین نکند، نمی‌تواند چگونگی نمایش خود را ارتقا ببخشد. مشکل مبنایی سینمای ایران، سرگردانی و بی‌هویتی است. برنامه‌ای که خودش بی‌هویت است، نمی‌تواند سینمای کشور را نجات دهد.



خاموشی سینما در برابر روشنی عاشورا

حسین کارگر

از صدها سال پیش تاکنون، همواره آیین‌های عاشورایی در سرزمین ما حضور پرشوری داشته‌اند و سال به سال و دهه به دهه نیز بر شور این آیین‌ها افزوده شده است، اما جای شگفتی است که چنین آیین‌هایی هنوز هم فروغ چندانی در رسانه‌های جدیدی همچون سینما و تئاتر مدرن و پست‌مدرن نداشته است. به طوری که بررسی آثار تولید شده در دو حوزه سینما و تئاتر، نشان می‌دهد که مفاهیم عاشورایی هیچ‌گاه در جایگاه اولی و به مثابه یک دغدغه همیشگی نزد خالقان آثار مطرح نبوده است. حتی درعرصه مستندسازی نیز حق مطلب درباره عاشورا بیان نشده است. تک ستاره این میدان، سید شهیدان اهل قلم است که در برخی آثار خود اشاراتی به قیام عاشورا کرد. به خصوص در مستند «شب عاشورایی» که در آن، پیوند معنایی بی‌نظیری میان قیام امام حسین(ع) و جهاد رزمندگان در دفاع مقدس نمایانده شده است.

در عرصه سینمای داستانی به دو شکل به موضوع عاشورا پرداخته شده است. یک شیوه، بازآفرینی بخش‌هایی از متن یا حواشی قیام حسینی بوده که تنها دو اثر شاخص قابل شناسایی است. یکی فیلم «سفیر» به کارگردانی فریبرز صالح‌اعلا است که به روایت یکی از فرستادگان امام حسین(ع) به نام قیس‌بن مسهر می‌پردازد. این فیلم در زمان خودش اثر شاخصی بود و تحلیلی از فضای اجتماعی کوفه در سال ۶۱ هجری در قالب یک فیلم ارائه داد. فیلم «روز واقعه» هم به کارگردانی شهرام اسدی به روایت یک جوان نصرانی تازه‌مسلمان به نام «عبدالله» است که ندای «کسیت مرا باری کند» امام حسین(ع) را می‌شود و به یاری امام می‌شتابد. البته این فیلم بیش از حد به حواشی می‌پردازد و از اصل و متن عاشورا دور است.

به جز این دو فیلم، تنها اثر قابل اشاره دیگر پیرامونی عاشورا، فیلم «رستخیز» است. این فیلم به کارگردانی



احمدرضا درویش در سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد، اما هنوز به‌طور عمومی در سینماها اکران نشده است. متأسفانه با وجود صرف چندین سال و ده‌ها میلیارد سرمایه، فیلم «رستخیز» به نتیجه خوبی منتهی نشده است. آنچه به عنوان شخصیت‌های تاریخ عاشورا در این فیلم نمایش داده شده، به هیچ وجه دلچسب نیستند. فیلم، به حس دارد و نه حساسه. صحنه‌های رزمی آن همچون شمشیر بازی کودکان است و نبردهایش فاقد عظمت و شکوه. داستانش هم پر از غرض و غلط می‌نماید، یک روایت پر دست‌انداز که از همان ابتدا بنای سرس بردن و سرس بردن حوصله مخاطب را دارد. تماشای «رستخیز» برای کسانی که «هختارنامه» را دیده‌اند و لذتشان را چشیده‌اند، هیچ ارزش افزوده‌ای ندارد و پیش پا افتاده به نظر می‌رسد!

شیوه دوم پرداختن به محرم سال ۶۱ هجری قمری هم این گونه بوده که محدود فیلمسازیانی هم کوشیده‌اند تا با بهره و الهام از حوادث و معانی عاشورایی آثاری را خلق کنند. برای نمونه می‌توان به فیلم «شب دهم» به کارگردانی جمال شورهجه اشاره کرد که در آن مبارزات انقلابی مردم ایران در برابر شاه و همچنین دوران دفاع مقدس، با فرهنگ عاشورایی جاری در فرهنگ ما تطبیق یافته است. مرحوم رسول ملاقلی‌پور هم در فیلم «پرواز» به شب» با الگوبری از تراژدی حضرت ابوالفضل(ع) برای رساندن آب به لشکر امام حسین(ع)، ازخودگذشتگی یک رزمنده برای نجات هم‌رزمانش از تشنگی در دوران دفاع مقدس را به نمایش درآورده است. «سینه سرخ» به کارگردانی بروزشخ طادی، «صناب دوشیزه» ساخته مسعود اطیابی، «دست‌های خالی» اثر ابوالقاسم طایبی، «صخر روز دهم» به کارگردانی محبتی راعی و ... هم الهامات و اشاراتی به مفاهیم عاشورایی داشته‌اند. نکته بسیار مهم این است که با وجود قابلیت‌های حیرتانگیز و فراوان سینما در ابعاد هنری و رسانه‌ای، اما

محدودیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بسیاری هم در آن وجود دارد، اما این به قدری ناممکن بودن نمایش متن واقعه کربلا نیست، سه ویژگی برای چنین کار بزرگی لازم است که اگر حتی یکی از آنها ناقص باشد، به فیلم لطمه می‌زند. یکی از این ویژگی‌ها، باور عمیق و مستحکم به عاشوراست. بدون شک فیلمساز یا فیلمنامه‌نویسی که از عمق جان به این حماسه بزرگ عیدانه نفوذ نمی‌تواند در این باره فیلم بسازد. تنها کسی که این اقدام بر می‌آید که وجودش در مفاهیم عاشورایی استحاله شده باشد. ویژگی دوم این است که فیلمساز باید از ابعاد گوناگون موضوع آگاهی داشته باشد. یعنی بداند که فلسفه عاشورا چیست و هدف و پیامدهای آن چه بوده است. کارگردانی که به ساخت فیلم درباره عاشورا رو می‌آورد، باید شخصیت‌های مؤثر در این حادثه تاریخی را به خوبی بشناسد و به‌طور کلی نسبت به تمام فرازونشیب‌های آن شناخت داشته باشد. ویژگی سوم، برخورداری از توانایی فنی لازم برای ترسیم و واقع‌گرایانه حماسه عاشوراست. به عبارتی به‌قدر، برای پرداختن به این موضوع، تعهد و تخصص باید در حد اعلا در یک هنرمند جمع باشد. به ندرت می‌توان سینماگری را یافت که هر سه شاخصه فوق را با هم داشته باشد.

یکی از پیشنهادهای ممکن و پویا برای غنی‌سازی محتوایی و دراماتیک آثار سینمایی، بهره‌گیری از چشمه جوشان و خروشان تعزیه است. تعزیه زیبا و فاخر که ضمن برخورداری از تراژدی در اوج شکوه، می‌تواند پاسخگوی مسائل روز انسانی و اجتماعی بوده و در ضمن الگوی تمام‌عباری در مینی‌مالیسم و ترسیم سترگ‌ترین داستان‌ها در حداقل زمان و فضا است.